

مسئله: عمل به عام قبل از فحص از مخصص

مرحوم آخوند می‌نویسد:

«هل يجوز العمل بالعام قبل الفحص عن المخصص فيه خلاف و ربما نفى الخلاف عن عدم

جواز بل ادعى الإجماع عليه»^۱

توضیح:

۱. از غزالی و آمدی نقل شده است که بین فقها هیچ اختلافی نیست که نمی‌توان قبل از فحص از مخصص،

به عام مراجعه کرد.^۲

۲. بلکه [بالاتر از نفی خلاف ادعا شده] مرحوم شیخ از نه‌ایة الاصول علامه حلی نقل می‌کند که ایشان در

فرض مذکور، «عدم جواز رجوع به عام» را اجماعی دانسته است.

ما می‌گوییم:

۱. صاحب قوانین مدعی است که جمعی از علما بر «عدم جواز تمسک به عام بدون فحص» ادعای اجماع کرده‌اند.

محشی این کتاب، این اجماع را ادعای حاجبی و وحید بهبهانی دانسته است.^۳

۲. مرحوم وحید بهبهانی در الفوائد الحائریة می‌نویسد: «فلا يجوز العمل بالعام قبل الفحص اجماعاً»^۴

۳. ارجاع به نه‌ایه، از ناحیه مرحوم شیخ انصاری در مطارح الانظار است:

«الحق كما عليه المحققون عدم جواز الأخذ بالعام قبل الفحص عن المخصص و ربما نفى الخلاف

فيه كما عن الغزالي و الآمدي بل ادعى عليه الإجماع كما عن النهاية و حكي عن ظاهر التهذيب

اختيار الجواز و تبعه العميدي و المدقق الشيرواني و جماعة من الأخبارية منهم صاحب الوافية

و شارحها و مال إليه بعض الأفاضل في المناهج و حكي عن بعضهم أن مراد القائل بالجواز

وجوب الاعتقاد بالعموم واقعا حتى يظهر المخصص فيحكم بكونه ناسخا للهم إلا أن يكون مراد

البعض من لم نقف على كلامه و نقل التفصيل بين ضيق الوقت فالجواز و بين عدمه فالمنع عن

بعض و قيل إنه مبني على جواز تأخير البيان عن وقت الخطاب و هو على تقدير صحته مما

ينادي كلام المجوز بخلافه»^۵

۱. كفاية الاصول، ص ۲۲۶

۲. ن. ک: مطارح الانظار، ج ۲، ص ۱۵۷

۳. القوانين المحکمة، ج ۲، ص ۷۲

۴. الفوائد الحائریة، ص ۲۰۱

۵. مطارح الانظار (ط-قدیم)، ص ۱۹۷



توضیح:

۱. آمده و غزالی و [علامه در] نهایی می‌گویند نمی‌توان قبل از فحص به عام رجوع کرد
 ۲. اما [علامه در] تهذیب الوصول و عمیدی و شیروانی و گروهی از اخباری‌ها (مثل فاضل نونی، صاحب وافیه و شارح وافیه و صاحب مناهج الاحکام و الاصول یعنی احمد نراقی) گفته‌اند می‌توان به عام قبل از فحص رجوع کرد.
 ۳. [صاحب مناهج از ابوحنیفه و کرخی] نقل کرده است که مراد از جواز رجوع آن است که مجتهد باید به عام معتقد باشد و اگر خاص ظاهر شد، بگوید خاص ناسخ است.
 ۴. [اللهم: البته این سخن ابوحنیفه و کرخی درست نیست ولی] این مطلب شاید مراد کسانی باشد که ما به عبارت آنها دسترسی نداریم.
[ما می‌گوییم: مرحوم صاحب معالم این قول را به گونه دیگری تصویر می‌کند و از قول برخی، قائلین این قول را دارای غباوه (کودنی) بر می‌شمارد:
«وربما قيل إن مراد قائله: أنه قبل وقت العمل وقبل ظهور المخصص، يجب اعتقاد عمومه جزما، ثم إن لم يتبين الخصوص، فذاك، والا تغير الاعتقاد.
وينقل عن بعض العلماء أنه قال - بعد ذكره لهذا الكلام عن ذلك القائل -: " وهذا غير معدود عندنا من مباحث العقلاء ومضطرب العلماء. وإنما هو قول صدر عن غباوة واستمرار في عناد."»^۱
 ۵. برخی هم بین ضیق وقت و سعه وقت فرق گذاشته‌اند (و این تفصیل از نراقی نقل شده است)
 ۶. برخی [نراقی در مناهج] نیز گفته‌اند که این بحث مبتنی بر بحث دیگری است:
 ۷. اگر گفتیم «تأخیر بیان از وقت خطاب» جایز است، باید فحص شود و اگر تأخیر بیان از وقت خطاب جایز نیست، بدون فحص می‌توان به عام رجوع کرد.
 ۸. اما اگر چنین قولی موجود باشد (که بحث را مبتنی بر آن مبنا کرده باشد)، می‌توان گفت که این ابتناء غلط است چرا که مجوزین (که بدون فحص اجازه رجوع به عام می‌دهند) حتی در صورتی که تأخیر بیان از وقت خطاب جایز باشد هم اجازه رجوع به عام می‌دهند.
- ما می‌گوییم:

۱. معالم، ص ۱۱۹



۱. برخلاف آنچه مرحوم شیخ در مطارح به «نهایه» نسبت داده‌اند (و ظاهراً مراد نهایه الوصول نوشته علامه حلی است)، در این کتاب نه تنها ادعای اجماع وجود ندارد بلکه ظاهر عبارت ایشان به گونه‌ای است که گویی «قول به جواز» را قول اصلی برمی‌شمارد. ایشان می‌نویسد:

«الخلاف هنا مع ابن سريج فإنه قال: لا يجوز التمسك بالعام ما لم يستقص في طلب المخصص، فإذا لم يوجد بعد ذلك مخصص، جاز التمسك به. و قال الصيرفي: يجوز التمسك به ابتداء، ما لم تظهر دلالة مخصصة. و الأقرب الأول.»^۱

۲. مرحوم صاحب معالم می‌نویسد که اگرچه برخی از علما (ظاهراً ابن حاجب^۲) موضع نزاع را چنین فرض کرده‌اند که گفته شد، ولی برخی به گونه دیگری نزاع را تصویر کرده‌اند:

«إن العمل بالعموم قبل البحث عن المخصص ممتنع إجماعاً. وإنما الخلاف في مبلغ البحث. فقال الأكثر: يكفي بحيث يغلب معه الظن بعدم المخصص، وقال بعض: إنه لا يكفي ذلك، بل لابد من القطع بانتفائه.»^۳

۳. مرحوم صاحب معالم سپس می‌نویسد، در هر دو موضع، نزاع جاری است.

۴. عبارت علامه در تهذیب الوصول (که از آن استفاده کرده‌اند که علامه در این کتاب، قائل به جواز رجوع به عام قبل از فحص است) چنین است:

«و لا يجب في الاستدلال بالعام استقصاء البحث في طلب المخصص، و إلّا لما جاز التمسك بالحقيقة إلّا بعد الاستقصاء في طلب المجاز. احتج ابن سريج ب: أنّه على تقدير وجوده لا يصحّ التمسك بالعام في جميع موارد، فيكون عدمه شرطاً، و الجهل بالشرط يقتضي الجهل بالمشروط. و الجواب: يكفي في عدم الظن.»^۴

۱. نهایه الوصول، ج ۲، ص ۲۳۰

۲. حاشیه وافیه، ج ۲، ص ۱۹۹

۳. معالم، ص ۱۱۹

۴. تهذیب الوصول، ص ۱۳۸



روشن است که مراد علامه در این عبارت آن نیست که تفحص لازم نیست بلکه مراد ایشان آن است که لازم نیست تفحص به اندازه‌ای باشد که باعث «یقین به عدم مخصص» شود و لذا اختلاف علامه در تهذیب و نه‌ایه، مربوط به میزان فحص است و نه اصل فحص.

ما می‌گوییم:

با توجه به آنچه گفتیم بحث در دو مقام قابل طرح است:

مقام اول: آیا بدون فحص از مخصص می‌توان به عام مراجعه کرد.

مقام دوم: چه مقدار فحص از مخصص برای رجوع به عام لازم است.

قبل از ورود به بحث از مقام‌های اول و دوم، لازم است به دو نکته اشاره کنیم.

نکته اول:

لازم است توجه کنیم که این بحث درباره مخصص منفصل مطرح است و الا اگر شک در وجود مخصص متصل باشد، می‌توان با اصل عدم خطا، احتمال وجود مخصص متصل را نفی کرد. ولی سخن در آن است که آیا احتمال مخصص منفصل می‌تواند مانع جریان اصالة العموم شود.

این مطلب را حضرت امام چنین بیان داشته اند:

«لا إشكال في أنّ البحث منحصر بالمنفصلات، دون المتصلات باحتمال عدم الوصول، لعدم اعتناء العقلاء به، لأنّ احتماله منحصر بسقوطه عمداً، أو خطأ، أو نسياناً، والأوّل مخالف لفرض وثاقة الراوى، والأخيران مخالفان للأصل العقلانيّ، وسيظهر أنّ مناط لزوم الفحص ليس في المتصل»^۱

نکته دوم:

مرحوم آخوند (و به تبع ایشان مرحوم نائینی) بین فحص از مخصص در ما نحن فيه و مخصص در بحث اصول عملیه (که در صورتی می‌توان سراغ اصول عملیه رفت، که فحص از امارات شده باشد و یأس حاصل شده باشد) فرق گذاشته است:

«لا يذهب عليك الفرق بين الفحص هاهنا وبينه في الأصول العملية حيث إنه هاهنا عما يزاحم الحجة بخلافه هناك فإنه بدون لا حجة ضرورة أن العقل بدون يستقل باستحقاق المؤاخذة على المخالفة فلا يكون العقاب بدون بلا بيان والمؤاخذة عليها من غير برهان والنقل وإن دل على البراءة أو الاستصحاب في مورد هما مطلقاً إلا أن الإجماع بقسميه على تقييده به فافهم»^۲

۱. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۲۷۴

۲. كفاية الاصول، ص ۲۲۷



توضیح:

۱. در بحث عام و خاص، بدون فحص عام حجت است و فحص از مخصص، فحص از خاص است که با عام تراحم می‌کند و بعد از تراحم مقدم می‌شود.
۲. ولی در بحث از اصول عملیه، بدون فحص اصلاً اصول عملیه حجت نیست.
۳. چرا که اصل برائت عقلی می‌گوید در صورتی فرد عقاب نخواهد شد که فحص کند و مأیوس از حجت شود و الا اگر فحص نباشد، اصل برائت جاری نمی‌شود.
۴. و اصل برائت نقلی (رفع ما لایعلمون) و سایر اصول نقلی اگرچه مطلق است (یعنی نگفته‌اند اگر فحص کردید، اصل جاری است) ولی اجماعاً (هم به اجماع محصل و هم به اجماع منقول) این ادله مطلق، مقید شده است.
۵. فافهم: رابطه مطلق و مقید، رابطه دو دلیل اجتهادی است که مثل رابطه عام و خاص می‌شود.

